گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۵۳۵۸۴۱
شنبه ۴ مهر ۱۴۰۵ ۱۰:۵۱

یادداشتی از سجاد محمدی، دکتری مشاور تخصصی؛

کنترل‌گری تربیت را متوقف می‌کند؛ پیگیری هوشمندانه، موفقیت را در ترازوی معنا می‌سنجد

اگر یاد بگیریم که در تحلیل مسیر (از آزمون‌های زندگی گرفته تا کنکور) به جای سرزنش، بر «علت‌شناختیِ درست و غلط‌ها» تمرکز کنیم و غفلت‌های تکراری را کاهش دهیم، زندگی را نه بر پایه منطق خشک و ریاضی‌وار، بلکه بر اساس عقلانیت تربیتی پیش خواهیم برد.

به گزارش خبرنگاران گروه زندگی و سرگرمی گزارش خبر، سجاد محمدی، دکتری مشاور تخصصی در یادداشتی با عنوان "کنترل‌گری تربیت را متوقف می‌کند؛ پیگیری هوشمندانه، موفقیت را در ترازوی معنا می‌سنجد" نوشت:

در فضای آموزشی امروز، بسیار می‌بینیم که والدین و مربیان با وجود اجرای دقیق و «منطقی» تمام توصیه‌ها، به نتیجه دلخواه نمی‌رسند. علت این ناکامی را باید در خلط دو مفهوم بنیادی جست‌وجو کرد: «آموزش» و «تربیت». چنان‌که دکتر سجاد محمدی در جلسات مشاوره تحصیلی و شناختی مطرح می‌کند، آموزش فرآیندی منطقی است که صرفاً به دنبال «درست و غلط» می‌گردد، اما تربیت رویکردی عاقلانه است که هدف اصلی آن «اثربخشی» و سنجش «مؤثر یا ناموثر بودن» رفتارهاست. هر اقدام منطقی لزوماً موثر نیست و غفلت از این مرز باریک، روانِ دانش‌آموز را فرسوده می‌سازد.

نظام تربیتیِ اثرگذار، بیش از آنکه به دنبال ثبت رتبه‌های ویترینی و بنرهای تبلیغاتی باشد، به ظرفیت‌سازی، حفظ تعادل و تقویت سرمایه‌های روان‌شناختی می‌اندیشد. دانش‌آموزی که در کنار تلاش درسی، آرامش خانوادگی و خودکارآمدی را حفظ می‌کند، در واقع معنای حقیقی موفقیت را درک کرده است.

در دنیای پرشتاب امروز، آنچه دانش‌آموز را از سقوط در چاهِ فرسودگی یا اضطراب نجات می‌دهد، نه تنها تکرارِ روتینِ یادگیری، بلکه توانایی مدیریت هیجان در لحظات بحرانی است.از این‌رو، انسان‌ها در مواجهه با چالش‌ها به چهار گروه «واکنشی»، «جواب‌گونه»، «پاسخ‌محور» و «اهل فرار» تقسیم می‌شوند.

گروه «واکنشی»، تحت سلطه تکانه‌های آنی و هیجانات ناگهانی هستند و در گرو «جواب‌گویی» (بدون تحلیل)، تنها به دنبال تخلیه فشار روانی‌اند. اما گروه «اهل فرار»، با رویکردی گریزپا، از مواجهه با واقعیت می‌گریزند. الگوی تربیتی مطلوب، گذر از رفتارهای غریزی و واکنشی و دست‌یابی به شخصیت «پاسخ‌محور» است؛ شخصیتی که بر پایه فکر، معنویت و ارزش‌های درونی تصمیم می‌گیرد.

این شخصیت، میان «محرک» و «عمل» خود فضایی برای تأمل ایجاد می‌کند؛ فضایی که در آن، فرد نه برده‌ی شرایط، بلکه معمار واکنش‌های خویش است.برای رسیدن به این نقطه، چهار شاه‌کلید تربیتی گره‌گشاست: «همراهی» در مسیر نیازها، «مهربانی»، «اعتماد» و «پیگیری هوشمندانه». در این میان، تمایز میان «پیگیری» و «کنترلگری» بسیار حیاتی است.

کنترلگری، نوعی سلطه‌گریِ آنی، پلیسی و ضدتربیت است که با ایجاد ترس، بلوغ را متوقف می‌کند و فرد را به موجودی مطیع اما بی‌اراده تبدیل می‌سازد. در مقابل، پیگیریِ همراه با فاصله، به جای آنکه حریم فردی را بشکند، فرصتِ اندیشه و اصلاح را به او می‌دهد. پیگیریِ اصیل، برپایه مشاهده و درکِ ریشه‌های رفتار است، نه بر پایه اعمال فشار و تهدید.

در نهایت، هدف از مشاوره این است که فرد و خانواده خود متفکر و مشاور خویش شوند؛ چرا که مشاور همیشه در خلوت یا سر جلسه آزمون همراه انسان نیست. اگر یاد بگیریم که در تحلیل مسیر (از آزمون‌های زندگی گرفته تا کنکور) به جای سرزنش، بر «علت‌شناختیِ درست و غلط‌ها» تمرکز کنیم و غفلت‌های تکراری را کاهش دهیم، زندگی را نه بر پایه منطق خشک و ریاضی‌وار، بلکه بر اساس عقلانیت تربیتی پیش خواهیم برد. هدف نهایی، ساختن انسانی است که حتی در غیابِ ناظر و مربی، بر مدارِ خودشناسی و مسئولیت‌پذیری حرکت کند؛ انسانی که موفقیت را نه در ترازوی اعداد، بلکه در ترازویِ معنا می‌جوید.

دکتر سجاد محمدی کیست:

دکتر سجاد محمدی، دارای مدرک دکتری تخصصی مشاوره و کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، با بیش از ۲۰ سال تجربه فعالیت در حوزه‌های مشاوره فردی و تحصیلی، از اعضای هیئت عضو سازمان نظام روان‌شناسی ایران می‌باشند. ایشان تخصص ویژه‌ای در حوزه‌های مشاوره کنکور، مسیر شغلی و روان‌درمانگری نوجوان (با تمرکز بر اختلالات هیجانی و خلقی) دارند.

سوابق اجرایی ایشان شامل همکاری با مراکز معتبری همچون مدارس نمونه دولتی ماندگار سعدی، سادات، امام باقر (ع)، امام صادق (ع) و مرکز مشاوره «راه عشق» در استان اصفهان می‌باشد.